

رساله علمی

در
مسئولیت مدنی

تألیف

دکتر عباس میرشکاری



سرشناسه:	میرشکاری، عباس-۱۳۶۴.
عنوان و نام پدیدآورگان:	رساله‌ی عملی در مسؤولیت مدنی / تألیف: عباس میرشکاری.
مشخصات نشر:	تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری:	۵۹۰ ص.
شابک:	ISBN 978-964-325-410-0 وضعیت
فهرست‌نویسی:	فیبای مختصر.
یادداشت:	فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی: http://opac.nliai.ir
	قلیل دسترسی است.
یادداشت:	کتابنامه: ص. ۵۸۹-۵۷۵، همچنین به صورت زیرنویس.
شماره کتاب‌شناسی ملی:	۳۸۶۳۲۶۵

رساله‌ی عملی در مسؤولیت مدنی

تألیف: دکتر عباس میرشکاری

ناشر: شرکت سهامی انتشار

چاپ اول: ۱۳۹۴

چاپ دیجیتال: ۵۰۰ نسخه

۴۲۵۰۰ تومان



دفتر مرکزی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، نرسیده به میدان بهارستان، جنب خیابان ملت، شماره ۹۲

کدپستی: ۱۱۴۳۹۶۵۱۱۸ تلفن: ۳۳۹۰۴۵۹۲ دورنگار: ۳۳۹۷۸۸۶۸

WWW.ENTESHARCO.COM Email: info@entesharco.com

فروشگاه شماره ۱: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، نبش خیابان ملت، شماره ۹۲، تلفن: ۳۳۱۱۴۰۲۲

فروشگاه شماره ۲: تهران، میدان انقلاب، بازارچه کتاب، تلفن: ۶۶۴۱۳۴۸۴ دورنگار: ۶۶۴۶۷۱۰۴

فهرست اجمالی

بخش نخست - زیان	۱۵
فصل نخست - زیان‌های ویژه	۱۷
نوشتار نخست - عدم النفع	۲۰
نوشتار دوم - زیان جمعی	۳۴
نوشتار سوم - زیان معنوی: لطمه به حریم خصوصی	۳۸
نوشتار چهارم - زیان بدنی: دیه	۵۲
نوشتار پنجم - زیان بدنی: زیان از دست دادن خیرد	۶۹
نوشتار ششم - زیان بدنی درگذشتگان	۷۷
نوشتار هفتم - زیان‌های هم‌زمان	۹۰
نوشتار هشتم - زیان ناشی از استفاده از نام تجاری دیگری	۱۰۲
فصل دوم - زیان دیرکرد پرداخت	۴۱۰
نوشتار نخست - زیان دیرکرد پرداخت از دین ناشی از مسوولیت مدنی	۴۱۰
نوشتار دوم - تأثیر اجل قانونی بر زیان دیرکرد پرداخت	۴۳۰
نوشتار سوم - مطالبه‌ی زیان دیرکرد پرداخت از ورشکسته	۴۳۶
نوشتار چهارم - زیان دیرکرد پرداخت از ارز	۴۴۸
نوشتار پنجم - زیان دیرکرد پرداخت در ضمان درک	۴۵۵
نوشتار ششم - ضمانت از زیان دیرکرد پرداخت	۴۶۴
فصل سوم - تأثیر شروط قراردادی در مسوولیت عامل زیان	۴۶۷
نوشتار نخست - شرط تحدید مسوولیت	۴۶۷

نوشتار دوم - شرط عدم مسؤولیت	۱۷۵
نوشتار سوم - وجه التزام	۱۸۱
بخش دوم - نقش عامل زیان	۱۸۹
فصل نخست - مسؤولیت مدنی دولت	۱۹۱
نوشتار نخست - مسؤولیت مدنی بانک‌ها (۱)	۱۹۲
نوشتار دوم - مسؤولیت مدنی بانک‌ها (۲)	۲۰۳
نوشتار سوم - مسؤولیت مدنی بانک‌ها (۳)	۲۲۰
نوشتار چهارم - مسؤولیت مدنی وزارت صنعت، معدن و تجارت	۲۳۰
نوشتار پنجم - مسؤولیت مدنی سازمان آب	۲۳۵
نوشتار ششم - مسؤولیت مدنی شهرداری	۲۳۹
نوشتار هفتم - مسؤولیت مدنی جمعیت هلال احمر	۲۴۳
نوشتار هشتم - مسؤولیت مدنی سازمان ثبت احوال	۲۵۷
نوشتار نهم - مسؤولیت مدنی سازمان انتقال خون	۲۶۴
نوشتار دهم - مسؤولیت مدنی وزارت راه و شهرسازی (۱)	۲۸۷
نوشتار یازدهم - مسؤولیت مدنی وزارت راه و شهرسازی (۲)	۲۹۱
فصل دوم - مسؤولیت مدنی حرفه‌ای	۳۰۲
نوشتار نخست - مسؤولیت مدنی پزشک	۳۰۲
نوشتار دوم - مسؤولیت مدنی مدیران شرکت‌های سهامی	۳۱۱
نوشتار سوم - مسؤولیت مدنی معماران	۳۱۸
نوشتار چهارم - مسؤولیت مدنی پیمانکار	۳۳۱
نوشتار پنجم - مسؤولیت مدنی دادرسان	۳۳۳
نوشتار ششم - مسؤولیت مدنی شرکت‌های هواپیمایی	۳۳۴
فصل سوم - تعدد عاملین زیان	۳۴۵
نوشتار نخست - تقسیم قانونی مسؤولیت میان عاملین زیان	۳۴۵
نوشتار دوم - تقسیم قراردادی مسؤولیت میان عاملین زیان	۳۵۱
فصل چهارم - غصب	۳۵۸
نوشتار نخست - وضعیت حقوقی عمل غاصب	۳۵۸
نوشتار دوم - بهای عادله	۳۷۳
بخش سوم - نقش زیان دیده	۳۸۳
نوشتار نخست - قاعده اقدام	۳۸۵
نوشتار دوم - تعهد به کاهش زیان	۳۹۵

نوشتار سوم - وضعیت پیشین زیان دیده	۴۱۸
نوشتار چهارم - قاعده‌ی هشتار	۴۳۳
بخش چهارم - قواعد شکلی مطالبه‌ی زیان	۴۴۵
نوشتار نخست - قائم مقامی در مطالبه زیان	۴۴۷
نوشتار دوم - حق دعوی مسئولیت مدنی پس از انتقال مال خسارت دیده	۴۵۸
نوشتار سوم - تعیین نام عامل زیان: تکلیف زیان دیده	۴۶۰
نوشتار چهارم - حقوق شخص ثالث بر مال زیان دیده	۴۶۳
نوشتار پنجم - حدود صلاحیت کارشناس	۴۷۰
نوشتار ششم - جای خالی کارشناس	۴۷۵
نوشتار هفتم - تشریفات پرداخت دیه از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی	۴۷۹
نوشتار هشتم - تشریفات پرداخت دیه از بیت‌المال (۱)	۴۹۸
نوشتار نهم - تشریفات پرداخت دیه از بیت‌المال (۲)	۵۰۳
نوشتار دهم - حکم ارشادی در دعوای مسئولیت مدنی	۵۰۸
نوشتار یازدهم - فراغ دادرس	۵۱۹
نوشتار دوازدهم - تأثیر حکم دادگاه کیفری بر دادگاه حقوقی در دعوای مسئولیت مدنی	۵۲۸
نوشتار سیزدهم - تعارض قوانین در مکان	۵۳۵
نوشتار چهاردهم - تعارض قوانین در زمان	۵۴۵
 پیوست - مطالعه دیوان عالی کشور در نظام قضایی آمریکا	۵۵۵
مبحث نخست - جایگاه و سازمان دیوان عالی	۵۵۶
مبحث دوم - مطالعه صلاحیت‌های دیوان عالی	۵۶۵
 کتاب‌نامه	۵۷۵
منابع فارسی	۵۷۵
منابع عربی	۵۸۱
منابع لاتین	۵۸۸

پیش‌گفتار

۱) گاه که پاسی از شب گذشته، چشمی بر دادنامه‌ی روی میز و چشم دیگر بر صفحه رایانه، در لابلای کتاب‌ها و وقت می‌گذرانم، تردیدی ناخواسته سراغم می‌آید: چه حاصل از اینکه وقت خویش را به تحلیل اندیشه یک دادرس پردازم؟ گیرم، اندیشه‌ای (درست و یا نادرست) از ذهن و زبان دادرسی بر صفحه سپید کاغذی به عنوان دادنامه نقش بسته، از اینکه دست به قلم بیرم و محاسن و معایبش را بشمارم، چه بهره‌ای را نصیب نظام حقوقی‌مان کرده‌ام؟ مگر نه این است که آرای دادگاه‌ها نسبی و محدود به طرفینش است، پس نقد یک رای، یادآوری نکته‌های نوشته شده در آن و سرانجام ستایش یا نکوهشش چه حاصلی دارد؟ کمی پیش‌تر از این وسوسه‌ها، دغدغه‌ی دیگری نیز سراغم می‌آید: آیا بهتر نیست به جای سنجش سازگاری یا ناسازگاری یک رای با اصول حقوقی، تلاش کنم چارچوب‌های نظری دلخواهم را بیان کنم؟ آیا سروسامان دادن به مبانی فکری ارزشمندتر و سودمندتر از تحلیل یک دادنامه نیست؟

۲) این دغدغه‌ها، تنها ویژه نگارنده نیست: ادبیات حقوقی ما نیز، هنوز دربارهی نقش رویه قضایی تصمیم‌نگرفته و اضطراب و سرگردانی در آن موج می‌زند. در واقع، اگرچه در نوشته‌ها، بر اهمیت رویه قضایی و نقش سازنده‌اش تأکید می‌شود اما در عمل، هنوز حقوق‌دانان ما ترجیح می‌دهند حقوق را در گوشه و کنار کتاب‌خانه‌ها جست‌وجو کنند. در واقع، دغدغه‌ی اصلی، بیشتر نظریه‌پردازی و بحث‌های مدرسه‌ای است: هنوز معنای زبان را در لابلای کتب فقهی می‌جویند، هنوز راه‌حل مسوولیت مدنی دولت در تحلیل چندباره‌ی ماده یازده ق.م.م. واکاوی می‌شود، و هنوز با طرح تعریف‌های اصولی سبب و شرط و مانع، و نیز، مباحث فلسفی سبب، سرگرم تحلیل رابطه سببیت هستند... تردیدی در اهمیت این گفت‌وگوها نیست: این بحث‌ها، افق‌های تازه را به پیش چشم مشتاقان می‌گشاید اما

حقیقت این است که نه دردی از زیان‌دیده درمان می‌کند و نه حقوق مسؤولیت مدنی را به هدفش می‌رساند. در واقع، فاصله‌ی این تلاش‌ها، با آنچه در عالم تجربه می‌گذرد، بسیار بوده و دادرسان و وکلای را در مقام دفاع از حق زیان‌دیده قانع نمی‌کند.

(۳) در برابر این روش، پاره‌ای دیگر، بنای نوشته‌های خود را تنها بر رویه قضایی می‌نهند. به باور اینان، می‌توان به رویه قضایی، همچون منبعی مستقل نگرست و به آن اعتماد کرد. اثبات کردن آرای دادگاه‌ها در کتاب‌ها، بی‌آنکه شرح و تفسیر و حتی نظامی به دنبالش باشد، نشان‌دهنده تأثیرپذیری از همین روش است اما این روش نیز ما را به مقصد دلخواه نمی‌رساند. رویه قضایی، همچون جریان سرکش آب است که اگر مسیرش، توسط ادبیات حقوقی، نظم نیافته و مشخص نشود، سیلی شگفت‌آور خواهد شد که همه چیز را به ویرانی خواهد کشید. پس شایسته است که نوشته‌های حقوقی به کمک این نیروی پرتاب و توان آمده و هدایت آن را برعهده گیرند. افزون بر این، اگرچه تردیدی نیست که گاه رویه قضایی بسیار پیشگام‌تر و جلوتر از ادبیات حقوقی حرکت می‌کند اما یادمان باشد که این پیشگامی‌ها از حد ابتکارات شخصی فراتر نرفته و جریان‌ساز نیستند اما ادبیات حقوقی، می‌تواند از این جرقه‌ها مشعل‌هایی پرتوان بسازد که مسیر آینده نظام حقوقی ما را روشن کند.

(۴) برای همین، پافشاری بر هر دو روش یاد شده، نادرست بوده و باید در میانه این دو راه ایستاد: نقش رویه قضایی را پذیرفت. برای همین، مدرسه خود را بی‌نصیب از این منبع پویا نگذارد و رویه قضایی نیز خود را مستقل و بی‌نیاز از نوشته‌های حقوقی نپندارد. در این راستا و برای آنکه قدمی برداشته و قافله عدالت را یاری کنم، هنوز ترجیح می‌دهم به مسیرم ادامه دهم. انگیزه‌ام، اگرچه از منطق و دلیل نیز ریشه می‌گیرد اما بیشتر، به شهود و احساس گرایش دارد: مگر نه این است که این دادنامه‌ها سرنوشت هم‌میهنانم را تعیین کرده‌اند، پس چگونه می‌توانم در برابر رایی که ناصواب صادر شده، بی‌تفاوت باشم؟ چگونه می‌توانم بی‌عدالتی‌ای را که در سراسر یک رای موج می‌زند، ببینم و دلخوش به این خیال ساده باشم که سرگرم طراحی چارچوب‌های نظری برای اصول دلخواهم هستم؟ از دیگر سو، چگونه می‌توانم اندیشه‌ای منطقی و عادلانه‌ای را در رایی ببینم و تلاشی برای گسترش آن اندیشه نکنم؟

نه! بی‌اعتنایی به واقعیت‌ها را نمی‌پسندم و تا جایی که قلمم توان داشته باشد، به همین مسیر ادامه خواهم داد: رای‌ها را جست‌وجو خواهم کرد، خواهم خواند و هر جا که رایی را ناسازگار با ارزش‌های دلخواهم ببینم و یا آن را عادلانه تشخیص دهم، در نوشته‌هایم به مطالعه و نقدش خواهم پرداخت.

۵) این مسیر، مسیری است که «محکمه» و «مدرسه» را آشتی خواهد داد؛ بهره این آشتی نیز، برای هر دو سوی این مصالحه فراوان خواهد بود. از جمله آنکه مطالعه بدین شیوه و به ویژه نشان دادن آرای که حق زیان‌دیده را برای جبران زیان به رسمیت می‌شناسند، دادرسان را در صدور حکم به سود زیان‌دیده و وفاداری به اصل جبران کامل زیان تشویق می‌کند؛ چه نشان دادن اینکه پذیرش حق زیان‌دیده برای جبران کامل زیان‌هایش، جریانی متعارف و منطبق با اصول حقوقی است، سبب می‌شود تا دادرسان در حرکت در این مسیر، بیم کمتری داشته و دلگرم شوند؛ زیرا باور خواهند داشت که بر خلاف جریان متعارف قلم و قدم بر نمی‌دارند، بلکه بر عکس، در راستای نظام حقوقی حرکت می‌کنند. از دیگر سو، نقد آرای که جبران زیان‌های زیان‌دیدگان را نمی‌پذیرند و نشان دادن ناسازگاری این آراء با اصول حقوقی، دادرسان را، اگر نه از صدور چنین آرای باز دارد، کمینه آنکه در صدور رای محتاط‌تر و دوراندیش‌تر می‌کند.

۶) این گونه از مطالعات، فایده دیگری نیز دارد و آن، هشدار و نهیب به واردکنندگان احتمالی زیان است. اگر اینان بدانند که جای محکومیت عاملین زیان تنها در لابلای کتب حقوقی و یا آرمان‌های دور از دسترس نیست، در رفتارشان متعارف‌تر برخورد می‌کنند. بنابراین، از بعد پیشگیری نیز، از این دست مطالعات می‌توان بهره‌هایی را برد. نگارنده مدعی نیست که از مطالعه نوشته‌ی پیش‌رو می‌توان به همه‌ی این بهره‌ها دست یافت اما دلخوش است که گاهی هرچند لرزان و دست بر دیوار در این مسیر برداشته است.

۷) بزرگ‌ترین دشواری‌ام در نگارش این رساله، دست‌یابی به آرای دادگاه‌ها بود؛ اگرچه این سو و آن سو، تلاش‌هایی برای جمع‌آوری، گزینش و انتشار آرای دادگاه‌ها انجام می‌گیرد و نگارنده نیز از این مجموعه‌ها بهره برده اما هنوز به وضعیت دل‌خواه دست نیافته‌ایم، هنوز نمی‌توان با اطمینان گفت که این مجموعه‌ها، تمام آنچه را که در دادگاه‌های ما می‌گذرد، نشان می‌دهد. برای همین، نگارنده، مدیون و مرهون همت بزرگوارانی است که با گشاده‌دستی آرای در دسترس خویش را دریغ نکردند، از جمله: آقای دکتر علی صابری، آقای ساعد شمسوار، آقای دکتر مجتبی اشراقی آرانی. همچنین، از آقای دکتر محسن ایزانلو که اشتیاق به گفت‌وگو درباره‌ی مسوولیت مدنی را از کلاس‌های درس‌شان به یادگار گرفته‌ام، سپاس ویژه دارم.

عباس میرشکاری

قائم‌شهر - یکم فروردین ۹۴